



۱

پسند هیأت انتخاب از فیلم‌های بدون مجوز

مسعود نقاش‌زاده: ما از ابتدا گفتیم که قانون مداری اصل اول برای ما است. قانون می‌گوید هر فیلمی برای ارکان در مجامع عمومی نیازمند پروانه نمایش عمومی است و ما تابع این قانون هستیم. بعضی از آثار مورد توجه هیأت انتخاب نیز قرار گرفتند اما موفق به اخذ پروانه نمایش نشدند. برای ما مهم بود که بر اساس مجوزهای اداره ارزشیابی و نظارت کار کنیم.

از صحبت‌های دبیر چهارمین جشنواره فیلم فجر در نشست خبری



۲

دو نام مبارک ماندگار بر تارک تاریخ

مهدی جعفری: مهدی و حمید باکری دو نام مبارک ماندگارند بر تارک تاریخ این سرزمین. دودردانه از میان هزاران که تاریخ فرصت ظهور و بروزشان را با خساست می‌دهد و چه سخت است اگر روزی بخوایم با ساخت فیلم با اثر هنری یاد این نام‌وران را در حافظه بصری ملت‌مان ماندگار سازیم. خدا را شکر «موقعیت مهدی» «هادی حجازی فرادای دین وفادارانه، هنرمندانه و تأثیرگذار شده است به این شهادی عزیز.

بخشی از یادداشت اینستاگرامی این کارگردان برای «موقعیت مهدی»



عکس: ابوالفضل سامی

دوست دارم «موقعیت مهدی» یادآور «دیدبان» باشد

ادامه از صفحه ۱۳

طوسی: شیوه بیانی و قالب اجرایی شما از یک منظر ترکیب مستند-داستانی است و از منظر دیگر حالت اپیزودیک دارد. در هر پرده شاهد سرفصل‌های کل‌گذاری شده هستیم که در عین حال فصل مشترک‌هایی هم دارد. چقدر این منحصر به نگاه خلاقانه شماسنت و چقدر از تجربیات سینمایی شما در حوزه جنگ از جمله همکاری با رسول ملاقلی‌پور از بهترین فیلمسازهای زمان جنگ وام گرفته شده است. به عنوان نمونه - که البته نقطه ضعف هم نیست و به نظر ادای دین به رسول است- «موقعیت مهدی» یک جالبی من را یاد «سفر به جزایه» یا «مزرعه پدری» می‌اندازد. در عین حال انگار وجوه مشترکی هم با موقعیت هولناک تجربه مرگ و حس آن با پوست و استخوان و... در «تنگه ابوقریب» دارد. این دردم آخر مرگ که دارای نگاه تراژیک و تقدیر محتوم است و در عین حال انفعال ندارد و تا آخرین لحظه کنش‌مند است و... اینها چطور با هم وجوه مشترک پیدا می‌کند.

حجازی فر: هر چقدر هم تلاش کنیم یادآور چیزی نباشیم، طبیعا ناخودآگاه تأثیر می‌گیریم اما من تلاش کردم لاقل در نسخه سینمایی به خیلی چیزها فکر نکنم. به اینکه مثلا فیلمبرداری واقع‌گرایانه هم نمی‌خواهم در برین چپ و راست شود، اجازه بده صحنه در دستش کنم، اکتیویش کنم یا... طراحی صحنه ما یک کار کاملا پژوهشی انجام داده است. بحث جلوه‌های ویژه متفاوت‌تر و البته دشوارتر است. آن هم وقتی بحث خواسته‌های ایچپینیتی باشد که مثلا انفجار را طوری ترتیب بدهند که فلان مدل خاک به پا کند. خوب اینها گفتنش ساده است ولی چه انجامش و چه هماهنگی‌های آن تلاش‌هایی فراتر از تصور طلب می‌کند. تازه

اینها در شرایطی است که سایر بخش‌ها هم برنامه‌ریزی‌های خود را طلب می‌کند، از تدوین گرفته تا فیلمبرداری و حتی طراحی لباس. در پاسخ به سؤال‌تان باید بگویم اگر هم وجوه مشترکی پیدا کنیم به دلیل تحقیق‌های انجام گرفته درباره واقعیت‌های جنگ است. فرض کنید رسول ملاقلی‌پور جنگ را تجربه کرده بود ولی من نه! این‌خ ب من یاد با تحقیق این‌جای‌های زیاد یاد داد، خودمان هرچند که لروما منابع در اختیار ما نیست. خیلی اوقات، برخی اسناد را در ازای پرکردن فرم‌های تعهد و تضمین در اختیار گرفتیم. حالا بماند که برخی اسناد حتی از نظر اطلاعاتی طبقه‌بندی یا استخراج نشده‌اند. یک‌سری صداها در اختیارمان بود که معلوم نبود چه هستند. در صورتی که باید مدیریت کلانی برای آنها شکل بگیرد تا معلوم شود هر کدام چه هستند و بعد به درستی در اختیار مخاطبان قرار بگیرند. وگرنه اصلا اینها را برای چه جمع‌آوری می‌کنند؟ البته نمی‌توان منکر شد که کارهای خوبی هم انجام شده و می‌شود. مناسفانه تا وارد کار نشویم بسیاری از مشکلات را درک نخواهید کرد. فیلم‌های مرتبط با خیبر و فجر اغلب از زاویه داخلی خودمان فیلمبرداری شده‌اند. جالب است که شبکه‌های NBC آمریکا همزمان با اجلاس در بغداد، فیلم‌هایی در اختیار داشت که این مرتبه از زاویه عراقی‌ها بود و ما کانون توجه آن. همیشه در فیلم‌های ما عراقی‌ها در آن تهِ دوربین بودند، اما در این فیلم‌ها این ما بودیم که از آن دور نشان داده می‌شدیم. جنگ از زاویه دیگری بود که ما ندیده بودیم. امیر زاغری به طرز عجیبی به این فیلم‌ها دست پیدا کرد. آن فیلم‌ها اطلاعات شگفت‌انگیزی در اختیارمان

به بهانه حضور محسن کیایی در فیلم «نگهبان شب»

موفق در نقش کم‌دی و جدی

سینما، گاهی در سریال‌ها مقابل دوربین می‌رود. او در سریال «پرده‌نشین» (بهر روز شایعی) یکی از نقش‌های متفاوتش را بازی کرد. نقش طلبه‌ای جوان که بین دو راهی ملیس شدن و ازدواج باید یکی را انتخاب می‌کرد. «پرده‌نشین» با توجه به قصه و مضمونش یکی از متفاوت‌ترین مجموعه‌های دهه نود بود و از آن استقبال شد. همان همکاری باعث شد چند سال بعد شعبی برای بازی در «روزیلوا» دوباره به سراغ محسن کیایی برود. همکاری با مصطفی کیایی در سریال پر بازیگر «هم‌گناه» که سال ۹۹ در شبکه نمایش خانگی توزیع شد یکی دیگر از نقاط عطف کارنامه محسن کیایی در سریال‌ها بود. آرمان شخصیتی بود که در نگاه اول به پرسوای کیایی نزدیک بود، اما به مرور و بویژه در فصل دوم به کاراکتری متفاوت و جدی تبدیل می‌شد، جوانی از طبقه مرفه که دلبستگی به زیبا (هدیه تهرانی) زندگی او را تغییر می‌داد. تعامل کیایی و تهرانی رابطه عاشقانه این دو شخصیت را باورپذیر کرده بود.

محسن کیایی در چهارمین جشنواره فیلم فجر با فیلمی از رضا میرکریمی حضور دارد. میرکریمی فیلمسازی است که حتی در آثار ضعیف کارنامه‌اش، بازی‌های قابل توجهی وجود دارد. فیلم، یک درام شهری با رگه‌های اجتماعی درباره مناسبات امروز و مسائلی است که مردم با آن مواجه هستند. در جشنواره‌ای که بسیاری از کارگردان‌های شاخص غایب هستند حضور میرکریمی یک برگ برنده و فیلمش مرکز توجه است. فضای فیلم میرکریمی، شبیه به «زیر نور ماه» یکی از بهترین و موفق‌ترین فیلم‌های کارنامه این سینماگر است. جنس بازی‌ها به زندگی نزدیک است و محسن کیایی هم در این فضا، باورپذیر و واقعی به نظر می‌رسد. شاید در نگاه اول نقش او با اغلب نقش‌های جدی‌اش تفاوتی نداشته باشد اما دیده‌نشدن و به چشم نیامدن در چنین فضای مهم‌ترین وجه بازی بازیگران است که لاله مرزبان و محسن کیایی بخوبی از عهده آن برآمده‌اند. محسن کیایی علاوه بر بازیگری، گاهی فیلمنامه‌نویسی هم می‌کند اما در آن حوزه به اندازه بازیگری جدی و پیرکار نیست.



گاه‌شمار جشنواره

بیست و دومین بهمن ۱۳۸۲

دوره بیست و دوم جشنواره فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۸۲ در تهران برگزار شد. این دوره یکی از پربارترین دوره‌ها از جنبه معرفی آثار خاص و پرتماشاگر بود. این دوره را می‌شود به نوعی ماحصل دو دهه سینمای پس از انقلاب قلمداد کرد که خروجی‌های آن بتدریج به سمت

فیلم‌هایی با مایه‌های جنجالی و اجتماعی خاص و سینمای مذهبی و دفاع مقدس با رویکرد نو حرکت کرد که تعدادی از آنها شامل این فیلم‌هاست: قدمگاه، میهمان مامان، دول، شهرزبیا، مارمولک، گیلانه، هم نفس، شمعی در باد، خداحافظ رفیق، مزرعه پدری، گاوخونی، بوتیک و عروس افغان.

در این دوره یک برگ‌داشت خاص تحت عنوان «افتخار آفرینان ۲۵ سال سینمای انقلاب» برگزید شد که در آن از مقام و

طوسی: در عنوان بندی «سفر به جزایه» راهم به مهدی باکری تقدیم کرده‌بود؟

حجازی فر: بله، اتفاقا یکی از منابع پژوهشی من هم بخشی از مستندهایی است که رسول ساخته، خوشبختانه به بخشی از آن مصاحبه‌های تند و تیزی که انجام داده بود دسترسی پیدا کردم. البته تا حدی در چیدمان دست بردم اما حدود ۹۷ درصد فیلم، حتی آن لحظه‌های خصوصی‌اش واقعی هستند. تمام تلاش من این بود که نشان بدهم مهدی باکری در چه موقعیت‌هایی بوده. با این همه مدعی معرفی‌اش نیستم.

طوسی: درباره عنوان بندی متفاوت‌تان و فیلم قدیمی پتاناماسی که انگار پایشان ترک دارد بگویند و همین طوری درباره دخل و تصرفی که در بخش مستند کار دارید و خودتان جای مهدی باکری نشسته‌اید

حجازی فر: چند دلیل دارد. ابتدا کمی بازگوشی بود که البته خیلی زود این حس را از کار حذف کردم. وجه اصلی این این بود که همان حال و هوا را نشان بدهم. وقتی شکل نور ویدیویی پیدا می‌کند گارد مخاطب در مواجهه با حرف‌هایی که مستند هم است می‌شکند. اگر آن ساختار را برادریم و با دوربین معمولی بگیرم دفعه ایجاد می‌کند. برای تیتراژ آغازین که سینه‌زنی و شناسنامه لشکر عاشورا است خیلی تلاش کردم تا شبیه چیزی شود که در آن فضا بود. یکسری فیلم از سینه‌زنی آنها داشتیم که خیلی بی‌کیفیت بود. باید بازسازی می‌کردیم اما هر چقدر تلاش می‌کردیم، می‌دیدم باز هم نتیجه متفاوت است. در مقام کارگردان هر دو سینه‌زنی را نگاه می‌کردم. هی فحش می‌دادم که این سریال‌چرا این طور کرده؟ این یکی چطور این طوری کرد اما با نسخه آخر اشکم در آمد. آن وقت بود که گفتیم حالا که روی من کار کرد، بر مخاطب هم اثر می‌کند.

طوسی: نقش و میزان همکاری محمدحسین

مخاطبانم ریزش کنند. دنبال کاری برای عموم مردم بودم. برای همین چاره‌ای جز نزدیک شدن به مهدی نداشتم.

طوسی: چرا به خود روایت و پررنگ کردن قصه نبرد اختید فکر می‌کنید این به ساخت تاریخی لمه می‌زد؟ البته این نقصان نیست شماسعی کردید این خللا را با وجوه عاطفی که به ساختناتالیسم هم تمایل شده، بولد کنید.

حجازی فر: همان‌طور که گفتم ساختمان فیلم و سریال را بر مبنای خانواده ساختیم. در سریال هم خواهید دید یکسری کاراکترهای فرعی داریم که بنیان روایت آنها خانواده است. اگر آدم‌های جنگ را در خانواده و جامعه‌اش نشناسیم، تأثیر لازم را نمی‌توانیم بگذاریم. اگر همین اول کار دست خودمان را قطع کنیم، چطور می‌خواهیم با تماشاگر دست بدهیم؟ پایه کار ما خانواده بود.

تلاش کردم که با پرداختن به جزئیات و طنزهای زیر آن را بسازم. ببیند تا بحث اعتقادی و جدی به میان می‌آید سعی می‌کنیم فضا را با اتفاقی بشکنیم مثلا در همان سکانس اول خواستگاری، وسط صحبت‌های مهدی باکری صاحبخانه پاسخش به سطل گیر می‌کند.

طوسی: بعضی فضا را باورپذیرتر و سمبلیک کردید؟

حجازی فر: بله. ادبیات آن دوران الان مثل شعار است اما باورزدنگی آنها بود. هر جایی که دیالوگ‌ها به این فضا نزدیک می‌شود مسیر را تغییر می‌دهیم. جایی آقا مهدی می‌گوید که «خلاصه من به عهدی کردم که عمرم زووقف خدمت به مردم، اسلام، مملکت...» آن طرف ولی چون فیلم درباره موقعیت مهدی بود باید از حمید استفاده می‌کردم. این طور به آن پایان مهدی می‌رسیدم. واقعیت‌های عجیب و غریبی در این دوره از جشنواره معرفی شود.

درباره نحوه نبرد آقا مهدی وجود دارد اما دنبال قهرمان‌سازی نبودم. نمی‌خواستم بخشی از

مهدویان تاجه‌حدی بود؟

حجازی فر: حضور حسین تقریباً بعد از تدوین سر کار آمد و سریال را دید. جنس کار حسین را خیلی قبول دارم. انرژی تمام نشدنی و عجیبی دارد. فکر کنید پنج صبح بوقبید بروید کارمناشا، برزید به کوه و کمر، آن هم وسط رعد و برق و...

تازه آخر شب برگردی بروی سراغ بازیگر، در اتاقش را بکوبی و سر به سرش بگذاری! این دیگر پیش‌فعلی است. حسین نگاه غریزی و عجیب و غریبی دارد. به نظرم از یک نبوغ ذاتی رنج می‌برد که بشدت کلافه‌اش کرده. واقعا دیوانه و شیطانی سینماست.

طوسی: اما لازم است این تنوع و پراکندگی با انضباط همراه شود.

حجازی فر: فکر من و حسین تفاوت زیادی دارد. شاید نتوانم مثل او فکر کنم اما همیشه تحسین می‌کنم. در هر فیلمی که با او بازی کردم بیشترین جر و بحث را با هم داشته‌ایم. به نوع کارش می‌توانم نقد داشته باشم اما در هوش و نبوغ و عجیبش تردیدی ندارم.

طوسی: نکته مهم بعدی نوع مواجهه‌تان با برادران باکری است. در برخورد با مهدی باکری حتی در لانگ‌شات از دور به او خیره می‌شوید و در ضرورت‌هایی بدون تخطی به آن تشخص و جایگاه تاریخی به او نزدیک می‌شوید، روی او متمرکز هستید. اما در مورد برادرش تا آخرین لحظات این فاصله را حفظ می‌کنید. حمید قابلیت قهرمان‌شدن ندارد؟

حجازی فر: اتفاقا دارد. خود حمید مستقل است ولی چون فیلم درباره موقعیت مهدی بود باید از حمید استفاده می‌کردم. این طور به آن پایان مهدی می‌رسیدم. واقعیت‌های عجیب و غریبی در این دوره از جشنواره معرفی شود.



میهمان مامان

رادان به خاطر ایفای نقش در فیلم شمعی در باد رسید و همچنین سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن نیز به گوهر خیراندیش برای ایفای نقش در فیلم رسم عاشق کنشی اختصاص یافت. کامبیز دیرباز نیز موفق شد به خاطر ایفای نقش در فیلم دول، سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد را از آن خود کند و میرلا زارعی نیز موفق شد به خاطر ایفای نقش در فیلم سربازهای جمعه، سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن را به

جایگاه سینماگرانی چون: مجید مجیدی، داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی، شهرام اسدی، سیف‌الله داد، منوچهر محمدی، مرتضی شایسته و ابراهیم حاتمی کیا قدردانی شد.

سیمیرغ بلورین بهترین فیلم به میهمان مامان به کارگردانی داریوش مهرجویی رسید و احمدرضا درویش توانست سیمیرغ بلورین بهترین کارگردانی را برای فیلم دول از آن خود کند. سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد به بهرام